

"قصابخانه، محله سیلو، محله اداره راه، شافعی، شهنواز، کریم آباد، شریف آباد و حمال آباد پخش شد و بر روی دیوار چسبانده شد. همزمان در همین محلات شعارهای گرامی باد دهمین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، زنده باد کمونیسم کارگری و زنده باد منصور حکمت، نوشته شد. غروب روز پنجشنبه ۸ آذر به همین مناسبت بر بلندبهای "جاقل"، "کافی‌نیاز"، "کافی‌کوه" و تپه روبروی شریف آباد آتشهای بزرگی از جانب جوانان و مبارزین شهر روشن شد که تا پاسی از صفحه ۲

گرامیداشت با شکوه دهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری در شهرهای کردستان

سقز: از روز سه‌شنبه اقداماتی به مناسبت سالروز حزب در سقز شروع شد. جنب و جوش و بحثهای فراوانی در مورد حزب کمونیست کارگری و فعالیتهای آن در میان مردم مطرح بود. همچنین از آن روز تا جمعه ۹ آذر تظاهرات تبریک دهمین سالگرد حزب وسیعا در محله‌ها و مناطق مختلف شهر از جمله در دانشگاه آزاد و مدارس و میدان "هه‌لو"، بازار شهر، محله‌شهرستانی، "تپه‌مالان"،

بر بلندبهای مشرف بر شهرها به مناسبت این روز آتش روشن شد هزاران نسخه تراکت به مناسبت سالروز حزب کمونیست کارگری پخش شد

ناسیونالیسم کرد و بیم و امیدی دیگر

آمریکا تهدید کرده است که به عراق حمله خواهد کرد. بنظر میرسد این پار برخلاف سال ۹۱ "متحدین" اروپایی به سیاست آمریکا تمکین نکنند. تاکنون فرانسه و انگلیس گفته‌اند که در عملیات نظامی علیه عراق شرکت نخواهند کرد. اما به گفته منابع نزدیک به محافل حاکم آمریکا، که از جمله در روزنامه کردستان آبرور منعکس شده است، آمریکا قصد دارد نیروی نظامی را به داخل خاک عراق وارد کند. در این نقشه نیروهای: "کردها" در شمال، "سنی‌ها" در مرکز و "شیعه‌ها" در جنوب قرار است برای آنچه که ساقط کردن صدام از حکومت است بکار گرفته شوند. و این بویژه وضعیت دشواری را برای نیروهای ناسیونالیست حاکم بر اربیل و سلیمانیه فراهم کرده است. صدام حسین در نطقی تهدید آمیز خطاب به احزاب حاکم در کردستان عراق آنها را به مذاکره و گفتگو فراخوان داد و به فاصله کوتاهی مسعود بارزانی به این فراخوان پاسخ مثبت داد و گفت که کردها هیچ راه دیگری جز کنار آمدن با رژیم عراق را ندارند و "فدرالیسم" را راه واقعی کردها نامید. جلال طالبانی نیز مدتها قبل بر فدرالیسم و امید به مذاکره و توافق با رژیم صدام اعلام کرده بود. به عبارت دیگر ناسیونالیسم کرد در عراق همه چیز خود را مدیون آمریکا و نظم نوین "حاجی" بوش و پسرش میدانند. مانده‌اند که در این میان چکار کنند، آیا در نقشه آمریکا برای ساقط کردن صدام از قدرت، شرکت کنند یا کماکان در انتظار روشن شدن تکلیف قدرتشان با صفحه ۲

رمضان، ماه مقدس یا فلاکت

صفحه ۳

موفقیت اعنصاب تاکسی رانان پاوه

صفحه ۳

ایسکرا

سرمدپیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱
فاکس: 00448701687574

آدرس: K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال هر شب ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه بوقت تهران طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۵۲۰ کیلوهرتز تلفن: ۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹ اطلاعات و پیامگیر رادیو: ۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷ روزهای یکشنبه نیم ساعت به زبان کردی

کمونیسم کارگری را انتخاب کنید

هیچگاه هواخواه بلوکهای سرمایه داری دولتی در شوروی و چین و اقرار آنها نبوده و آنها را کمونیست نمیدانست. نقد شفاف و روشنی از آنها داشت. شکست آنها نه تنها شکست ما نبود. بلکه صحت ارزیابیهای ما را اثبات نمود. (هرچند عواقب شکست این بلوک بر ما هم سنگینی نمود) از سالها قبل و مشخصا در کنگره سوم حزب کمونیست ایران در ژانویه ۱۹۸۹ منصور حکمت گفت "بلوک شوروی فرو میپاشد و به زور هم نمیتواند لاشه‌اش را به صفحه ۲

سازمان داد. در این دوران سخت حزب کمونیست کارگری ایجاد شد. بنا به سنت میشود این عمل ما را با همان خلاف جریان عمل کردن کمونیستها توضیح داد. اما حقیقتا قضیه برای ما فراتر از خلاف جریان بودن بود. مارکس و انگلس و لنین و کمونیستهای هم عصر آنها به شدت خلاف جریان بودند، اما در دوران آنان امید و خوش بینی نسبت به پیروزی کمونیسم بسیار بالا بود. آنان تجربه منفی استالین و شکست انقلاب اکتبر و جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی را پشت سر گذاشتند و نه تنها این، تحولات درخشانی چون کمون پاریس و انقلاب اکتبر اتفاق افتاد. لنین با شرایط مساعد قدرت گیری کمونیسم روبرو و با هوشیاری به سرانجامش رساند. انصافا دوره ما برای کار و فعالیت و تحزب کمونیستی بسیار سخت تر بود و از سطح سخت‌تری شروع کردیم. قطعا اعتقادات کمونیستی و ایستادگی تک تک ما نقش مهمی داشت. اما این حرکت ما با ایدئولوژی گری و "قهرمانیگری" به سرانجام نمی‌رسید. پافشاری جریان ما بر مارکسیسم و ایجاد حزب کمونیستی بر تشخیصهای سیاسی درستی چه در آن مقطع و از قبل استوار بود. جریان ما از ابتدا

سخنرانی رحمان حسین زاده در مراسم دهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری در کپنهاگ دانمارک (اول دسامبر ۲۰۰۱)



دوستان خوش آمدید و دهمین سالگرد ایجاد حزب کمونیست کارگری را به شما عزیزان تبریک میگویم. جریان ما و در راس آن (منصور حکمت) در نهم آذر ۱۳۷۰ (۳۰ نوامبر ۹۱) ایجاد حزب کمونیست کارگری را اعلام کرد. اگر درست به یاد داشته باشم درست یکماه قبل از آن در روزهای آخر اکتبر ۹۱ گورباچف پایان اتحاد شوروی را اعلام نمود و میدانیم این واقعه چه پیامدهایی به دنبال داشت و بورژوازی جهانی به این بهانه چه کارزاری را علیه چپ گرای و هر نوع ایده انسانی

این همه خود گشی چرا روی می دهد؟

مجید حسینی

صفحه ۴

ناسیونالیسم

تیولدری در فدرالیسم کذاتی و کنار آمدن و سازش و گفتگو با "میری" بمانند؟ این بلاتکلیفی را البته بورژوازی کرد در کردستان عراق به دلیل کوتاه بینی سیاسی، عقب ماندگی، بی کفایتی و دیپلماسی فنودالی و رقابتی و عشیره‌ای و طایفه‌گری همیشه در سیاست داشته است. تاریخ اینها تاریخ افتضاحهای سیاسی و سرسپردگی به قدرتهای منطقه است. اینها به عصر امروز و به نیازهای مردم کردستان بی ربطند و مردم کردستان گریزی ندارند که دیر یا زود خود را از سلطه دیرین این جریانات رها کنند. تکرار چند باره صحنه‌های آوارگی و انتقال و سرزمین سوخته و بلاتکلیفی مدنی همیشه ارمغان دیپلومات بازیها و بند و بستها و توطئه‌های سری سران مرتجع و عقب مانده ناسیونالیسم کرد، با دولتهای بزرگ و دولتهای منطقه بوده است. همیشه مبلغین متعصب کردیه‌تی بوده‌اند و همواره هم مردم کردستان قربانی بند و بستها و تیانهای اینها با رژیم مرکزی در عراق و دولتهای منطقه و قدرتهای جهانی از آب درآمده‌اند. این جریانات واقعا به یک عامل ابقای سلطه حکومت مرکزی عراق و باز کردن دست دولتهای مرتجع و سرکوبگر ایران و ترکیه برای دخالتگری در منطقه بوده‌اند و به مانعی جدی بر سر راه حل مساله کرد در کردستان عراق تبدیل شده‌اند.

مردم باید شر اینها را از سر خود کم کنند. راه حل مساله کرد در کردستان عراق و پایان دادن به مصائب و مشقات از مسیر پایان دادن به سلطه احزاب ناسیونالیست کرد بر سرنوشت مردم عبور میکند. مردم باید خود سرنوشت خویش را بدست گیرند.

سخنرانی

سال ۲۰۰۰ برساند. گفت در مقطعی هستیم که در مقابل هر یک نفر مدافع مارکسیسم، هزار مارکسیست سابق، پشیمان از گذشته پیدا میشود، که از خوبی نظم فعلی، و با موعظه "همین است که هست" برایمان میگویند و تاکید کرد که برای مقابله با

گرامیداشت

شب ادامه داشت و توجه مردم سقر را به خود جلب کرد. در چند محله پخش شیرینی و اهدای شاخه گل در میان دوستداران و علاقمندان به حزب گوشه دیگری از مراسمهای گرامیداشت حزب بود.

سندج

دیروز جمعه ۹ آذر ساعت ۶ صبح آتش بزرگی بر کوه آبیبر مشرف بر شهر سندج مژده بخش فرا رسیدن روز حزب کمونیست کارگری بود. در طول روز کارت تیریک قرمز رنگی که بر روی آن متن کوتاهی در تیریک دهمین سالگرد تشکیل حزب تهیه شده بود، در میان مردم در نقاط مختلف پخش شد. به همین مناسبت در خیابانها و مناطق مختلف شهر از جمله، خیابان صفری، چوارباغ، خیابان فرح، خیابان ۲۵ شهریور، محله آغزمان و ... شعارهای وسیعی در یاد حزب نوشته و توجه مردم را به خود جلب کرد. در بعضی محلات شیرینی پخش شد و در محافل و تجمعهایی با شادی و پایکوبی این روز را گرامیداشتند. غروب نیز به همین مناسبت بر بلندیهایی آبیبر و کوچک‌رهش آتشیهای بزرگی از طرف جوانان و مبارزین شهر روشن شد که تا پاسی از شب ادامه داشت و مورد توجه مردم

قرار گرفت.

در ابتکار دیگری جمعیتی از جوانان شهر در کوه آبیبر مراسمی برپا کردند و ضمن طرح صحبتی در مورد حزب کمونیست کارگری و سیاستهای آن و با رقص و پایکوبی و شادی دهمین سالگرد حزب را گرامی داشتند.

مهاباد

شهر مهاباد دیروز ۹ آذر شاهد گرامیداشت یاد حزب بود. جوانان کمونیست و مبارزین شهر از عصر پنج‌شنبه در محلات، چهار راه آزادی، تپه قاضی، شهرک مجبور آباد، میدان حیوانات، محله "سه‌آشان"، میدان "ملاجامی"، و در دانشگاه آزاد و دبیرستان طالقانی تراکتیهای به مناسبت دهمین سالگرد حزب پخش کردند. همچنین شعارهای، گرامی باد دهمین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، زنده باد حزب کمونیست کارگری زنده باد منصور حکمت، بر دیوار و محلهای مناسب نوشته شد. گرامیداشت حزب با برپائی آتشیهای بزرگی بر بلندیهایی کوههای "داشمجید" و "خزائی" و تپه پشت پادگان ادامه پیدا کرد و تا پاسی از شب مردم شاهد آن بودند.

صبح روز جمعه مزدوران رژیم که متوجه پخش وسیع تراکتها و شعارنویسی به یاد حزب شده

بودند، به حالت آماده در آمد و برخی نقاط شهر را زیر نظر گرفتند. علی‌رغم آمادگی نیروهای رژیم جوانان مبارز شهر عصر جمعه به شعار نویسی و پخش تراکت ادامه دادند.

مریوان

جوانان و مبارزین شهر مریوان دیروز جمعه ۹ آذر به مناسبت دهمین سالگرد تشکیل حزب با تاریخ شدن هوا در ارتفاعات مشرف بر شهر مریوان به نام های قلعه "بیسه‌ران" تپه پشت گورستان شهر و "شخصه فقیره" که از تمام شهر دیده می شد آتشیهای بزرگی روشن کردند و مردم شهر آن را میدیدند. همچنین در بسیاری از خیابانها و کوچه‌های شهر از جمله محله چوارباغ و جنگلانی و اماکن عمومی در سطح شهر، شعارهایی چون، گرامی باد دهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، زنده باد حزب کمونیست کارگری، زنده باد منصور حکمت نوشته شد. این اقدامات توجه مردم را وسیعا به خود جلب کرده و بحثهای مختلفی را در محافل و جمعهای مختلف به این مناسبت دامن زد.

سردشت

در شهر سردشت نیز روز جمعه ۹ آذر از ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر به همین مناسبت

آتش بزرگی بر کوه "گرده سور" روشن شد که بیش از ۳ ساعت شعلهور بود. ساعت ۷ بعد از ظهر همین روز در نزدیک باشگاه ورزشی سردشت از طرف جمعی دیگر از جوانان مبارز شهر، آتشی روشن شد که تعداد زیادی دور آن تجمع کردند. در همین محل جوانان با در کردن ترقه یاد حزب را گرامی داشتند. در محلات مختلف شهر شعارهایی در گرامیداشت یاد حزب نوشته شد که توجه مردم شهر را به خود جلب کرد.

اشنویه

غروب روز شنبه ۱۰ آذر در اشنویه نیز به مناسبت دهمین سالروز حزب، در محله سیدآباد و خیابانهای آن و دبیرستان حاجی رسولیان، شعارهایی از جمله زنده باد دهمین سالروز حزب کمونیست کارگری و زنده باد منصور حکمت نوشته بودند. ضمنا طبق اخباری که بدستمان رسیده است در شهرهای دیگر نیز شعار نویسی به همین مناسبت از طرف جوانان و مبارزین شهر نوشته‌اند.

گرامی باد دهمین سالروز حزب کمونیست کارگری ایران زنده باد کمونیسم کارگری کهنه‌ته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ آذر ۱۳۸۰ - اول ۲۰۰۱ دسامبر

قاطعیت جنگ خود را علیه اسلام سیاسی در منطقه اعلام نمود و در این رابطه آثار فعالیت ما چه مستقیما در ایران و در منطقه و در خارج کشور آثار مثبتی به جای گذاشته است.

- در این دوران سیاه که بشدت توقعات جامعه و انسانها را تنزل دادند، تمامی تلاششان این بود دمکراسی و سیستم پارلمانی را به عنوان "راه نجات" انسانها قالب کنند. ما در این دوران کوتاه نیامدیم و آن را به نقد کشیدیم و بر آزادی انسان تاکید گذاشتیم. این جریان و این حزب مستقیما با جمهوری اسلامی در کشمکش بوده است. نیروی کمونیستی را در دو دهه اخیر چه در دورانی که در حزب کمونیست ایران متشکل بودیم و در یکدهه اخیر در حزب کمونیست کارگری ایران از مصاف عین حال مقابله با شوروی بر این ارتجاع سیاه سرمایه گذاری کردند. یک مشت جانور اسلامی در ایران و افغانستان و... به جان مردم انداختند. جریان ما با

است. با اتکا به این سابقه و این تحلیل و تشخیصها بود که توانستیم بایستیم و حتی مقابله کنیم.

دهه نود را در چنین موقعیتی شروع کردیم. دهه‌ای با صورت مسائل جدید جهانی و منطقه‌ای و کشوری. بورژوازی پیروز در همه این سطوح و در قالبی جدید خرافی‌ترین و عتیقه‌ترین ایدئولوژیها و سیاستها را برای مرعوب کردن بشریت به میدان آورد.

- ناسیونالیسم را مجددا باد زدند و احیا کردند، جنگهای قومی راه انداختند، ما جریانی بودیم که با شفافیت و صراحت تمام به جنگ ناسیونالیسم رفتیم و گفتیم ناسیونالیسم ننگ بشریت است.

- اسلام سیاسی را به قدرت رساندند. به عنوان کمر بند سبز در مقابل چپ گرایی جامعه و در عین حال مقابله با شوروی بر این ارتجاع سیاه سرمایه گذاری کردند. یک مشت جانور اسلامی در ایران و افغانستان و... به جان مردم انداختند. جریان ما با

که لغو کار مزدی و لغواستثمار و تامین برابری انسانها نقطه عزیمت آن بود. برای تحلیل دنیای امروز خلافتانه مارکسیسم را بکار گرفت. کمونیسم کارگری و افکار و سیاستهای رهبر آن به درست مارکسیسم ایندوران است.

- کمونیسم کارگری تصویر از سبک کار و نحوه فعالیت کمونیستی را تغییر داد. تعلق طبقاتی و جایگاه طبقه کارگر در مبارزه سیاسی ما تبیین شد. بر مبنای افق سیاسی و نقطه‌عزیمت کارگری دخالتگری و حضور در هر منفذ و بخشی از جامعه تاکید شد.

- تصویر از سیاست تغییر کرد، از حاشیه جامعه بیرون آمدن و در وسط صحنه جامعه قرار گرفتن. اینکه سیاست یعنی جابجا کردن نیرو و تغییر تناسب قوا به نفع جنبش خودت و تبدیل شدن به نیروی معادله قدرت و قدرت را گرفتن برای اجرای افق و سیاسی که دنبال میکنید.

میخواهم بگویم حزب کمونیست کارگری به چنین سابقهای متکی

رمضان، ماه "مقدس" یا فلاکت



عبدالله شریفی

۲۳ سال است رژیم اسلامی ایران در کنار زندان و شکنجه گاهها، جنگ و کشتار، جهل و خرافه، مساجد و مکتب قرآنها و مراسم های مذهبی و خلاصه از هر آنچه زشتی میافریند، ابزارهای توحش و سرکوب ساخته است و به جان و زندگی میلیونها انسان انداخته است. حاصل آن جهنمی است برای هفتاد میلیون انسان، که فقر، فلاکت، آدمکشی، ترور، فحشا، اعتیاد، بیکاری، گرانی، بی مسکنی و نا امنی، خفقان و مرگ و صدها مصایب دیگر شاخصهای تعریف آن است. این نظام، به حق مورد انزجار و نفرت میلیونی در جهان واقع شده است.

ماه رمضان هم یکی از ابزار سرکوب اسلامی است. یکی از اقلامی است که اسلام سیاسی در جنگ با خواستههای انسانی دنیای امروز بکار گرفته

است. در این ماه اشاعه خرافات اوج میگردد، فرصتی "خدا دادی" است تا تحقیر و اهانت به انسان مشروعیت یابد. ماه خرد کردن انسان در مقابل جهل و خرافه است. در این ماه جانوران اسلامی دم میگیرند تا معنویات انسانی را شکست دهند و مادیات سرمایه داری معاصر را حفظ کنند. جلادان برگشته از شکنجه گاهها به منبر میروند تا مردم را حالی کنند که هیچی نیستند، "گنهکارانی" هستند که باید تا آخر عمر ناپیزشان در عزا نگه داشته شوند. در این ماه دهها هزار کارگر رستورانها، کافه تریاها، بستنی فروشیها، آشپزخانه ها و هتلها بیکار میشوند. این بخش از کارگران که در مقابل کار شاق و طولانی با دستمزدی ناچیز امرار معاش میکنند. در این ماه بدون هیچ بیمه و کمک هزینه ای خود و خانوادهشان در شرایط بسیار دشوارتری قرار میگیرند. دستفروشان که قسمت عمده آنان کودکان هستند و زندگیشان را از راه فروش آمیوه و شربت فروشی "تامین" میکنند را هم اضافه کنیم آن وقت دامنه این بیکاری "مقدس" تا حدودی ترسیم میشود. بدین صورت فقر شدیدتر میشود.

در این ماه از کله سحر با بانگ و روضه خوانی و طبل و صدای گوشخراش آخوند و میرزا خواب

و زندگی را بر مردم حرام میکنند. بچه های شیرخوار از وحشت بیدار میشوند، کودکان مدرسه از ترس لحافها را تند دور خود میپیچند. در طول روز لمپنهای اسلامی از منبر تا خیابان و محل کار و مدرسه را اشغال میکنند. نگهبان دهان و اشتهای مردم میشوند، بچه های دبستانی را به جای تفریح و شادی، به جای موزیک و رقص، به جای یادگیری علم و دانش به دعاخوانی رمضان، دعای کمیل و شب قدر و دیگر خرافات وا میدارند. دختر بچه ها را وادار به اجرای فریض جديتر اسلامی میکنند.

در این ماه تحقیر و سرکوب زنان درجه ای بالا میرود. اهانت و تحقیر بخش اصلی تبلیغات است. حجاب و آمد و رفت و معاشرت زنان تحت کنترل باز هم بیشتری قرار میگیرد، فشار بر زنان شدت میگیرد، روابط دختر و پسر، روابط همکاران، همسایگان و... بیشتر از قبل زیر نظر می افتد. زنان باردار و سالمندان و کودکان که بیشتر از همه به مراقبت روانی و بهداشتی نیاز دارند، به گرسنگی و تشنگی اجباری کشیده میشوند. زنان باردار که خود بر اثر سوتغذیه از چندین نوع بیماری رنج میبرند با این گرسنگی و تشنگی همراه با خود جنین خویش نیز را در معرض انواع امراض قرار میدهند. این وضع برای کودکان و سالمندان نیز صدق میکند.

سخنرانی...

رژیم هار مشاهده کنید. پدیده دوم خرداد بدون تقابل گام به گام حزب کمونیست کارگری راست راست داشت راهش را ادامه میدهد. و بخش زیادی از جریاناتی که خود را اپوزیسیون میدانستند، مردم بیزار از اسلام و جمهوری اسلامی را به حمایت "آخوند" خاتمی فرا میخواندند. در خارج کشور عرصه را به آنها تنگ نمودیم و در با افشاکری گام به گام در منزوی کردن آنها در داخل ایران هم سهم بزرگی ایفا کردیم.

مقابله بی‌امان بیش از دو دهه با زن ستیزی و کارگر ستیزی این رژیم، بادشمنی کور آنها با کارگران افغانی، با جوان ستیزی و شادی ستیزی جمهوری اسلامی، در همه این عرصهها کمونیسم کارگری و

در این ماه و ماهای دیگر سال حاکمان اسلامی تا جایی که زورشان برسد، کشتار و سرکوب و ویرانی میافرینند. قدس و خواص اسلامی ماه رمضان و کل اسلام اگر برای مثنی کانگستر تروریست و جانی خاصیت دارد، چیزی جز ادامه فلاکت و تنگدست و فقر و قهقرا برای میلیونها انسان نیست. ماه رمضان مانند ماههای دیگر شادی ممنوع، خوشی ممنوع، رقص ممنوع، زندگی ممنوع، و خوردن و نوشیدن ممنوع است. این است انسان امروزی شایسته این همه توهین نیست، این قاتلان زندگی را باید هر چه زودتر بزیر کشید. زندگی آزاد و مرفه به دور از هر گونه ستم مبنای جنبش مدنی است که امروز در ایران برای سرنگونی نظام اسلامی در جریان است. مبارزه علیه قوانین پوسیده اسلامی، زیر پا نهادن قانون اسلامی، کار هر روزه در ایران شده است. مردم و مخصوصا جوانان باید این قانون اسلامی را هم به شکست بکشاند، نباید اجازه داد گرسنگی اجباری به کسی تحمیل بشود. نباید گذاشت حتی یکماه از عمر خود را بدون شادی و موزیک تلف کرد.

نبايد به گشت و گذار و سرک کشیدن عوامل و نیروهای سرکوبگر اسلامی تحت هیچ بهانه ای میدان داد. اکنون

توازن قوا به نفع مردم است. امکان سرکوب و دخالت رژیم در زندگی مردم محدود شده است. با تعرض تازه تر محدودیت جدیدتری به آنها تحمیل میشود. تن ندادن به روزه و نمایشات مستخره رمضان حق مسلم مردم است. باید از این حق دفاع کرد. باید، دست مذهب از زندگی مردم کوتاه شود. روزه و نماز و مسجد به امر خصوصی و بدور از چشم جامعه تبدیل شود. گسترش علم و دانش و بکار گیری دستاورد های علمی و تکنولوژیک در خدمت بشر و مبنای آموزش قرار گیرد. اعتقاد به هر مذهبی یا بی مذهبی به امری شخصی و خصوصی تبدیل شود.

در حکومت ما، در جمهوری سوسیالیستی کارگران، کسی به خاطر مذهبی بودن یا نبودن زندان یا مورد هیچ بازخواستی واقع نمیشود. تعلق تراثی قومی و مذهبی و جنسی و... از هویت انسان پاک میشود. تنها در نظام سوسیالیستی است تضمین میشود که انسانیت انسان به او باز گردد و انسان به طبیعت واقعی خود برسد. برای رسیدن به این اهداف انسانی در قدم اول باید نظام اسلامی را به زیر کشید. حمایت و تقویت حزب کمونیست کارگری متضمن این تلاش انسانی است.

۴ دسامبر ۲۰۰۱



بدانند حاصل زحماتشان به یک نیروی امید بخش تبدیل شده است. اما انصاف و پایبندی به حقیقت حکم میکند که بر نقش کلیدی و سرنوشت ساز رفیق عزیزمان منصور حکمت رهبر این جنبش و این حزب در کل این تاریخ و این دوران تاکید کرد. آن محور و آن ستونی که کل این دوران را نمایندگی کرد، حفظ کرد، افق گشود و هدایت کرد، بدون اغراق منصور حکمت بود. اینطور نیست که این پدیده بدون دخالت منصور حکمت به همین شکل پیش میامد که تاکنون طی شده است. در همه

وجه این جنبش و این حزب نقش کلیدی و رهبری را داشته است. تصور از دور خیلیها شاید این باشد که اساسا نظرگاه و دیدگاههای جنبش ما را بیان میکند، اما



عنوان یک اپوزیسیون اصلی در مقابل جمهوری اسلامی عروج کند. این را مخالف و موافق و دوست و دشمن این حزب اذعان میکنند. رسالت تاریخی مهمی بر دوش این حزب است و دیگر گریزی ندارد و باید آن را به سرانجام برساند.

دوستان! جنبش کمونیسم کارگری و این حزب با تلاشهای فکری، سیاسی، برنامه‌ای، تدوین استراتژی و تاکتیک و حجم وسیع فعالیت عملی، تقبل فشار و زندان و از دست دادن رفقای عزیز فراوان در زندان و در میدانهای جنگ انقلابی علیه ارتجاع و جمهوری اسلامی به اینجا رسیده است. جا دارد از زحمات هر کسی که در این راه کوشیده و هر فردی که در این جریان را تقویت کرده، قدردانی کنیم و

حزب آن یک نیروی عمده و جدی بوده است. بدون حضور این حزب نه تنها رژیم اسلامی مانع عمدهای سرازش نبود، بلکه خیلیها در صف اپوزیسیون به بهانه اصلاح آن و در رکاب آن مشروعیت برایش کسب مینمودند.

کمونیسم کارگری نیرویست که برای همیشه این موضوع را قطعیت بخشیده است که کمونیسم بدون ادعای قدرت، کمونیسمی که دنبال قدرت سیاسی نباشد، کمونیسم سیاسی و اجتماعی نیست. نقطه عزیمت ما اینست، کمونیسم باید در وسط صحنه سیاست باشد، به جامعه مربوط باشد. مباحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه دیدگاههای ما را با دقت در این باره توضیح داده است. این جهت گیری در این ۲-۳ ساله باعث شده که حزب کمونیست کارگری به

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

چرا این همه خودکشی روی میدهد؟ راه چاره چیست؟

روزی نیست که در محل زندگی خود و یا از شهرهای دیگر خبر خودکشی چندین نفر به گوشمان نرسد، ابعاد و گستردگی این پدیده وحشتناک آن قدر در ایران بالا رفته که اخبار آن سر از روزنامه های وابسته به رژیم هم در آورده و کار بدستان جمهوری اسلامی از انتشار آمار واقعی آن خود داری می کنند تا علل و ریشه های این پدیده را از مردم پنهان دارند اکثریت کسانی که دست به خود کشی می زندند از قشر جوانانند و در این میان بالاترین رقم قربانیانش زنان هستند راستی چرا این همه خود کشی؟ چه عواملی انسانها را به طرف این عمل تراژیک و تاسف بار انسانی سوق می دهد؟ آیا خود کشی عکس العمل طبیعی انسان در حق به خود و آن مشکلاتی است که مناسبات جامعه موجود بر او تحمیل کرده است؟ این مصیبت را کی بر سر زندگی مردم قرار داده که مرتب از عزیزانشان قربانی می گیرد و انسانها را وادار می کند با دست خود به زندگی خویش پایان دهند؟ مقصر اصلی رواج و ازدیاد خودکشی در جامعه چیست؟ آیا خودکشی راه چاره و علاجی است برای درمان و خشکاندن ریشه های این تراژدی در جامعه، و آیا شیوه موثری است برای تخفیف درد و مشکلات زندگی بازماندگان آن کسی که به این عمل دست زده است؟ نه ابد! خود کشی راه چاره نیست، این درد کشی و بیماری وحشتناکی است که حاکمان و مدافعان امروزی سرمایه برای بقای نظامشان با اتکا به فقر، بیکاری، اعتیاد و قوانین ضد زن شرع اسلام و دفاع از سنت های ارتجاعی مردسالارانه و سرکوب آزادیهای سیاسی در جامعه شیوع داده اند با خود کشی نه تنها نمی توان سایه شوم جمهوری اسلامی و این مشکلات را بر زندگی مردم کم کرد، بلکه راه شناخت و علاج درد سخت تر و طولانی تر هم میشود.

فقر و بیکاری در جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داریش رحمان دوستی، امین ابراهیم، فرج و بشیر یوسفی و هزاران نفر دیگر را به خود کشی وادار نموده - اعتیاد و باندهای مافیایی وابسته به این رژیم محمد ملایی و

کیومرث آزی را به کام مرگ فرستاده و روزانه از این مردم قربانی می گیرد، این رژیم اسلامی قاتل تابان و فرخناز و هزاران زنی است که بعثت محروم بودن از حقوق ابتدایی انسانی و تحقیر، ستم و وجود آپارتاید جنسی خود را کشته اند با خودکشی هر نفر جراثیم سنگین جمهوری اسلامی در نزد مردم آزادیخواه سنگین تر میشود اگر رژیم اسلامی هزینه سرسام آور ارتش، اطلاعات، سپاه پاسداران، بسیجها و مساجد و آخوند و سازمانهای وابسته به آنها را خرج رفاه و آسایش زندگی مردم می کرد، کسی به خاطر فقر جان شیرین خود را نمی گرفت و خبری از این خودکشی ها نبود، نیرو و استعداد هزاران جوانی که قربانی این وضعیت شده اند نه شکفته پر پر نمی شد، کاربدستان این حکومت سازمانهای مافیایی توزیع مواد مخدر را به جان مردم انداخته اند، به قیمت به خاک سپاه نشانیدن میلیونها نفر از مردم میلیارد میلیارد به ثروت افسانه ای خود می افزایند و هر چند وقت یک بار تعدادی از سپاه بختگان معتاد را به عنوان عاملین این اوضاع جلو مردم بدار می کشند تا خود را تبرئه نمایند، و در انتظار عموم رژیمشان را نماینده مبارزه با مواد مخدر جلو دهند، قوانین اسلامی این رژیم یکی از سرچشمه های جنایت و ستم بی حد و مرز بر همه مردم و بخصوص در رابطه با زنان و کودکان می باشد زیرا پا نهادن ابتدایی ترین حقوق انسانی زنان با اتکا به قوانین قرون وسطایی اسلامی و انجام هر جنایتی در حق دختران خرد سال، قتل عام و کشتار آزادیخواهان به نام اسلام، به راحتی توجیه و موجه می گردد.

در اثر فشارهای فزاینده سیاسی و اقتصادی ده ها برابر بیش از آمار خودکشی ها بیمارهای روحی و روانی ناشی از آنها، از این مردم قربانی می گیرد، آن کسی که به دردی از این دردها در این جامعه گرفتار آید، به جای کمک و مداوا از طرف این نظام طرد و منزوی می گردد و در مقابل این مشکلات بزرگ اجتماعی تنها می ماند و جامعه اسلامی مسئولیتی را در قبال سلامتی و زندگی

شهروندان بعهده نمی گیرد، در نتیجه جسم و روحش زیر فشار مشکلات زندگی خرد می گردد. ناامیدی، استیصال، بی دورنمایی و پژمردگی در زندگی را باید به خشم علیه این نظام سرمایه و پاسداران اسلامی آن تبدیل کرد امروزه به ندرت خانواده ای را در ایران خواهید یافت که کسی از آنها به دام یکی از بلاهایی که جمهوری اسلامی برای مردم به ارمغان آورده است گرفتار نباشند. تا نظام سرمایه بر مردم حکم براند خودکشی به عنوان یکی از محصولات زشت این نظام باقی خواهد ماند اما آمار خودکشی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بسیار بالاتر از هر کشور دیگری است. تجربه زنده همه ما نشان میدهد در کشورهایی که به درجه ای آزادی و رفاه برای عموم مردم هست آمار خودکشیها بسیار پایین می آید و غیر قابل مقایسه است با کشوری مانند ایران که در آن قوانین ارتجاعی اسلامی بکار گرفته می شود.

چه کاری از ما بر می آید؟

تلاش برای پاک کردن پایه های آن عواملی که مردم محروم در جامعه را به سوی خودکشی میکشاند موثرترین راهی است که در مقابل ما قرار گرفته است. جمهوری اسلامی مسبب این اوضاع است، قاتل همه آنهاست که خود را می کشند باید مجازات شود و به سزای اعمالش برسد. مجازات این رژیم و به گور سپردنش تنها از عهده کارگران، زنان، جوانان و همه مردم آزادیخواه بر می آید. باید کاری کرد مبارزه علیه جمهوری اسلامی و اختناق و سرکوب مذهبی آن گسترش و شدت یابد و امید به تغییر اوضاع جای ناامیدی، عجز و استیصال که منجر به خودکشی میشود را بگیرد، بخصوص در این شرایط که مردم علیه جمهوری اسلامی قدم پیش گذاشته اند امکان دادن افق و آینده روشن از طریق گسترش مبارزه با این رژیم و همراهی با صف آزادیخواهی هست. ما راهی بجز همبستگی و جدال برای یک جامعه آزاد و برابر، جامعه ای سوسیالیستی که رفاه و امنیت در آن باشد، خبری از مصائب و خفقان نباشد نداریم خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی و زندگی جهانی که بر ما تحمیل

سخنرانی...

علاوه بر آن در همه عرصه های پراتیکی این حزب و حتی در بیرون حزب از جمله عرصه زنان، کودکان و پناهندگان و ... نقش الهام بخش منصور حکمت هویدا است. منصور حکمت غنیمت بزرگ جنبش انسانی، کمونیستی و آزادیخواهانه دوره معاصر است. از کوشش و فعالیت های تاکنونی منصور حکمت باید قدردانی کرد و موفقیتش را در فعالیت های آتی خواستار شد.

دوستان! شمای کوتاه از تاریخ و فعالیت این جریان و این حزب را گفتم و نشان میدهد کارهای بزرگی شده است. بر این هم واقفم که در آستانه تحولات دورانساز این دوره در آغاز کاریم. بسیاری موانع و مشکلات هست و فر. صتهایی که نباید از دست داده شود. اما یک چیز مسلم است. حزب کمونیست کارگری در وسط صحنه سیاست ایران است. با رهبری، برنامه، سیاست و پراتیک شناخته شده قابل دسترس است. مردم آزاده در ایران، کارگران، زنان، جوانان و هر کس که از تبعیض و ستم و نابرابری به تنگ آمده است میتواند به آلترناتیو کمونیستی و پیوستن و حمایت از آن فکر کند. کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری قابل انتخاب کردن است. این جنبش و این حزب را انتخاب کنید. ■

لیست کمک مالی به پروژه ت

- علی آرمان ۱۵۰۰ کرون
- محمد رضا بهمنی ۱۰۰۰ کرون
- شاهو ۸۰۰ کرون
- چیمین دارابی ۵۰۰ کرون
- عزت دارابی ۵۰۰ کرون
- سیف الدین حیدری ۳۰۰ کرون
- ایمیلی ۳۰۰ کرون

کمک منظم به

کمیته کردستان

- رسول بناوند ۳۵۰۰ کرون
- مجید حسینی ۸۰۰ کرون
- هاله طاهری ۲۰۰ کرون
- محمود خاطری ۱۰۰ کرون
- گلباغ سلیمی ۱۰۰ کرون
- عذرا آدمی ۲۰۰ کرون
- گلاویژ قادر نژاد ۱۵۰ پوند
- بهرام و سالم شاماری ۵۰ مارک
- حمید رحیمپور(برمن) ۵۰ مارک

